

### تحلیلی بر مستندات قرآنی عدالت اقتصادی در نهج البلاغه

احمد امینی کهریزسنگی\* / محسن احتشامی نیا\*\* / سید محمد رضوی\*\*\*

تاریخ دریافت: ۹۹/۴/۳ تاریخ پذیرش: ۹۹/۹/۱۸

#### چکیده

عدالت از جمله مفاهیمی است که دانشمندان، همواره به تعریف و بیان آن در اعصار گذشته و حال پرداخته‌اند. این مفهوم یک تکلیف الهی است که باعث تعالی و رشد بشر در حوزه‌های مختلف زندگی شده است. ریشه اصلی این مفهوم در درجه‌ی اول در قرآن کریم، آنگاه در بیانات معصومین (علیهم‌السلام) به خصوص بیانات گهربار حضرت علی (علیه‌السلام) یافت می‌شود. مقاله حاضر سعی دارد تا با تفکر و تدبیر در سخنان امیرمؤمنان (علیه‌السلام) از طریق مستندات قرآنی بر عدالت اقتصادی از زبان آن بزرگوار به روش توصیفی-تحلیلی مورد بررسی قرار دهد. یافته‌های این مقاله نشان می‌دهد که یکی از مهم‌ترین ابعاد مهم عدالت، عدالت اقتصادی است. با بررسی واژه عدالت در نهج البلاغه می‌توان به معانی همچون قرار گرفتن هر چیز در جای خودش، انصاف، مساوات و اعتدال (میان‌روی) دست یافت. در آیات قرآن کریم و سخنان حضرت علی (علیه‌السلام) برای عدالت اقتصادی شاخصه‌های مختلفی بیان شده است که برخی از این شاخصه‌ها عبارتند از: عدالت در توزیع، عدالت در بهره‌گیری و مصرف، عدالت در قیمت‌گذاری، عدالت در اوزان، پرهیز از رباخواری در معاملات اقتصادی، راستی و صداقت در معاملات اقتصادی است. از منظر آیات قرآن کریم و سخنان گهربار حضرت علی در نهج البلاغه راهکارهای ایجاد عدالت اقتصادی در جامعه اسلامی شامل انفاق، صدقه، زکات و خمس می‌باشد.

\*. دانشجوی دکتری گروه علوم قرآن و حدیث، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Amini.kahrizsangi@yahoo.Com

\*\* . گروه علوم قرآن و حدیث، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

M.ehteshamina@yahoo.Com

\*\*\*. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. smRazavi@yahoo.Com

## واژگان کلیدی

عدالت، عدالت اقتصادی، امام علی (علیه السلام)، نهج البلاغه، قرآن

### بیان مسأله

عدالت از بنیادی‌ترین اهداف جامعه بشری محسوب می‌شود که همه جوامع به اشکال مختلف درصدد تأمین آن در زمینه‌های مختلف هستند. در دین مبین اسلام، تحقق عدالت و مساوات از اصول مستحکم و پایه‌ی استوار اعتقادی محسوب می‌شود. عدالت، از جمله مفاهیم بسیار مهمی است که همواره ذهن دانشمندان را به خود مشغول ساخته است. این مفهوم، یک تکلیف الهی است که باعث تعالی و رشد بشر در حوزه‌های مختلف زندگی شده است. از این رو، جامعه‌ی بشیر از ابتدا تاکنون در آرزوی تحقق عدالت و ریشه‌کن شدن تبعیض و ظلم در تمامی زمینه‌ها بوده است.

ریشه اصلی مسأله عدالت را باید در درجه نخست در قرآن کریم جستجو نمود؛ زیرا قرآن است که بذر اندیشه عدل را در دل‌ها آبیاری کرده و دغدغه آن را در روح انسان‌ها ایجاد نموده است. به تصریح قرآن، نظام هستی و آفرینش بر اساس عدل، توازن و استحقاق‌ها قابلیت‌ها پی‌ریزی شده است. عدالت در قرآن، در موارد بسیاری مانند نفی ظلم از ساحت کبریایی، توجه به هدایت انسان‌ها در قالب ابلاغ و بیان دین و تمام کردن حجت بر آدمیان بیان گردیده است (بستانی و بهشتی، ۱۳۹۴، ص ۲۷).

قرآن کریم، هدف از ارسال پیامبران و انزال کتب آسمانی را اقامه‌ی عدل و قسط ذکر فرموده است:

«لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيُقِومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ؛

ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم، و با آنها کتاب (آسمانی) و میزان (شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند (حدید/۲۵).

در این آیه شریفه، هدف از اعزام و مأمورت پیامبران، اجرای قسط و عدل معرفی شده است. که این مسأله با تشکیل حکومت و اجرای احکام و قوانین الهی محقق می‌شود؛ البته همانطور که از «لیقوم الناس بالقسط» استفاده می‌شود، این مردمند که در پناه حکومت رسولان و اجرای آموزش‌های آنها عدالت را برپا می‌کنند. عدالت را پیامبران به ارمان نمی‌آورند؛ بلکه مفهومی انتزاعی است که از رفتار عادلانه‌ی افراد و ن‌هادهای عادل انتزاع می‌شود (رشاد، ۱۳۸۰، ج ۷، ص ۶۸).

و در موارد زیادی به انسان‌ها فرمان داده تا در رفتارهای فردی و اجتماعی خود، اهل عدالت و دادگری باشند. در یکی دیگر از آیات آمده است:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ  
أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! همواره برای خدا قیام کنید، و از روی عدالت، گواهی دهید!  
دشمنی با جمعیتی، شما را به گناه و ترک عدالت نکشاند! عدالت کنید، که به پرهیزگاری نزدیکتر  
است! (مائده: ۸).

در کلمات بزرگان دین به‌ویژه معصومین علیهم‌السلام و به خصوص امام علی علیه‌السلام، ضرورت و اهمیت تحقق  
عدالت در تمامی امور زندگی به‌خصوص وضعیت اقتصادی مردم مورد تأکید قرار گرفته است و سیره‌ی  
عملی معصومین علیهم‌السلام بر اساس همین مبانی قرآنی است.

بعد از پیامبر گرامی اسلام، حضرت علی علیه‌السلام شایسته‌ترین فردی است که حدود عدالت در اسلام را  
معرفی نموده است. عدالت مهمترین هدف حکومت امام علی علیه‌السلام می‌باشد که با نگاهی ژرف به سخنان  
نهج البلاغه می‌توان به اهمیت عدالت از منظر امام به‌خوبی پی برد. از منظر امام علی علیه‌السلام، انسان و  
ارزش‌های انسانی بسیار مورد تأکید قرار گرفته‌اند. به طوری که جامعه انسانی بدون در نظر گرفتن  
تمایزات در نظر امام دارای ارزش است. افزون بر گفتار فراوان امام علی علیه‌السلام در باب عدالت، سیره  
حضرت نیز در حکومت و به‌ویژه در ابتدای پذیرش حکومت، گویای اهمیت فراوان عدالت و جایگاه والای  
آن در اقتصاد اسلامی است.

حضرت علی علیه‌السلام فلسفه پذیرفتن خلافت پس از عثمان را به هم خوردن عدالت و منقسم شدن مردم به دو  
طبقه سیر سیر و گرسنه گرسنه ذکر می‌کند و می‌فرماید: «اگر گردآمدن مردم نبود، و اگر نبود که با اعلام  
نصرت مردم، بر من اتمام حجت شد و اگر نبود که خداوند از دانایان پیمان گرفته آن‌جا که مردم به دو  
گروه تقسیم می‌شوند: گروهی پرخور که از بس خورده‌اند، "ترش" کرده‌اند و گروهی گرسنه و محروم. اگر  
این‌ها نبود، من افسار مرکب خلافت را روی شانه‌اش می‌انداختم و رهایش می‌کردم و کاری به کارش  
نداشتم» (شریف رضی، ۱۳۷۶، خطبه ۳، ص ۱۱). امام علی علیه‌السلام در دوران حکومت خویش با ظلم‌ها و  
تعدی‌ها و خیانت‌های دوران خلفای قبل از خود مواجه بودند که برای درهم شکستن نظام سابق و احیای  
دوباره قوانین الهی شعار تأمین عدالت را سرلوحه حکومت قرار می‌دهد.

افزون بر این، امامان معصوم بر این نکته تأکید ورزیده‌اند که اگر مسلمانان به اصل عدالت وفادار باشند و  
آن‌را در جامعه رعایت کنند، مشکل فقر و بیچارگی مردم از میان می‌رود و همه به آسایش و رفاه دست  
می‌یابند. امام باقر علیه‌السلام می‌فرماید: «اگر میان مردم عدالت اجرا می‌شد، بی‌نیاز می‌شدند (محدث نوری،

۱۴۰۸، ج ۱۱، ص ۱۲۳). نکته جالب توجه این است که معصومان، اجرای عدالت را سبب آثار معنوی فراوان نیز برشمرده‌اند؛ از جمله فرموده‌اند با اجرای عدالت، برکات خداوند دوچندان می‌شود (همان، ص ۳۲۰) و در اثر اجرای عدالت، آسمان روزی خود را فرو می‌فرستد و زمین برکت خود را آشکار می‌سازد (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۳، ص ۵۶۸). در این نوشتار به بازشناسی عدالت اقتصادی، در اندیشه امام علی (علیه السلام) پرداخته خواهد شد که در خطبه‌های متعدد و همچنین حکمت‌ها از نهج البلاغه، خود را به زیبایی نشان داده است. آنچه در مورد عدالت خداوند در عرصه‌های گوناگون در نهج البلاغه آمده است همگی دارای قراین و شواهد گوناگونی در آیات قرآن کریم هستند. بدین جهت در این نوشته، به بررسی آیات عدالت اقتصادی در نهج البلاغه پرداخته خواهد شد.

## ۲- مفهوم شناسی

### ۲-۱- مفهوم عدالت

عدالت در اندیشه امام علی (علیه السلام) از جایگاه بسیار بالایی برخوردار است. از مهم‌ترین اصول اداره امور در اندیشه و سیره حضرت علی (علیه السلام)، اصل عدالت است، که معیار همه چیز است و جز بدان، نمی‌توان به اهداف دولت اسلامی و فراهم کردن زمینه تعالی فرد و جامعه دست یافت. معیار قرار دادن عدالت تا بدانجا است که قوانین باید تابع عدالت باشد و استحقاق‌ها در همه امور رعایت شود و هرگونه تبعیض از جامعه زدوده شود. معنای اصل عدالت در اداره امور، این است که هرکس و هرچیز در جای مناسب خود قرار گیرد و تفاوت‌ها و امتیازات بر مبنای صلاحیت و استحقاق باشد (هوشمند، ۱۳۸۹، ص ۸). برای شناخت مفهوم عدالت می‌توان در نهج البلاغه حضرت علی (علیه السلام) پیرامون مفهوم عدالت به چهار معنا دست یافت.

### ۲-۱-۱- قرار گرفتن هرچیز در جای خودش

عدالت یعنی هرچیز و یا هرکس در هر موقعیتی در جایگاه مخصوص خود قرار بگیرد. امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «الْعَدْلُ يَضَعُ الْأُمُورَ مَوَاضِعَهَا» عدالت، هرچیز را به جای خود می‌نهد (سیدرضی، ۱۳۷۹، حکمت ۴۳۷).

این مفهوم از عدالت در ساختار مدیریتی حضرت نیز مورد تأکید واقع شده است؛ به طوری که در این باره می‌فرماید: «أَيُّهَا النَّاسُ بَهَذَا الْأَمْرِ أَقْوَاهُمْ عَلَيْهِ وَعَلِمَهُمْ بِأَمْرِ اللَّهِ فِيهِ»، مردم سزاوار به خلافت کسی است

که بدان تواناتر باشد، و در آن به فرمان خدا داناتر (سیدرضی، ۱۳۷۹، خطبه ۱۷۳). یعنی زمامداران بر اساس شایستگی ها و توانمندی هایشان در منصب های مناسب قرار بگیرند.

## ۲-۱-۲- انصاف

انصاف بدین معناست که هرکس حقوق دیگران را رعایت کند و آن را چون حقوق خود بداند و برای دیگران حقوقی برای خود قائل باشد و آن چه برای خود می خواهد برای دیگران نیز بخواهد و مزایا و بهره های زندگی را میان خود و مردمان برابر تقسیم نماید (مهدوی کنی، ۱۳۹۴، ص ۵۷۱).

حضرت علی در این باره می فرماید: «فَانصُفُوا النَّاسَ مِنْ أَنْفُسِكُمْ» پس خود، داد مردم را بدهید و در معاشرت با آنان انصاف را فرو مگذارید (سیدرضی، ۱۳۷۹، نامه ۵۱).

در حکمت ۲۳۱ نهج البلاغه، انصاف به معنای رعایت استحقاق ها و توجه به دیگران آمده است: «الْعَدْلُ الْإِنصَافُ، وَالْإِحْسَانُ التَّمَتُّلُ؛ عدل، همان انصاف، و احسان، همان بخشش است». که امیرالمؤمنین در تفسیر آیه ۹۰ سوره نحل (إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ) آورده است.

عدل و انصاف با یکدیگر ارتباط تنگاتنگی دارند. هرکس بخواهد بر اساس عدالت عمل کند، باید انصاف داشته باشد. لفظ انصاف در قرآن کریم به کار نرفته، ولی در نهج البلاغه کاربرد فراوانی دارد. اصل این لفظ از «نصف» گرفته شده است؛ به این معنا که شخص منصف، امتیازات و منافع را میان خود و دیگران بخش می کند. هر چه برای خود بخواهد، همان را برای دیگران نیز می خواهد؛ دیگران را با خود یکسان و برابر حساب می کند. یکی از جنبه های معنایی این واژه از دیدگان امیرمؤمنان اجرای عدالت منصفانه است که حق ضعفا و ستمدیدگان جامعه است؛ ایشان به علاوه، عمل به انصاف را در جامعه، شاه کلید اساسی رابطه سازگار انسانی و همزیستی مسالمت آمیز افراد می داند و می فرماید:

هیبت و وقار با بسیاری سکوت است و انصاف و عدالت است که پیوند انسان ها را بیشتر می کند و با کرامت و بخشش است که ارزش و عظمت پیدا می کند و با فروتنی است که نعمت ها تکمیل می شود و با به عهده گرفتن رفع نیازمندی ها است که سروری اثبات می شود و با روش دادگرانه است که دشمن مغلوب می شود و بردباری و گذشت در برابر احمق، یاوران او را می افزاید (خوانساری، ۱۳۶۰، ۶۷۶). از سخنان امام علی (علیه السلام) چنین استنباط می شود که آن حضرت عدل را به معنی مراعات انصاف در حقوق مختلف افراد در جامعه می داند. منظور از انصاف یعنی هر امری در جای خود و متناسب با حق خود رعایت شود. به عبارت دیگر، رعایت اعتدال در امور و پرهیز از افراط و تفریط به معنی رعایت انصاف در امور می باشد.

۲-۱-۳- مساوات

در برخی از سخنان امام علی، عدالت به معنای مساوات و برابری نیز آمده است. اما در تقسیم عادلانه‌ی بیت‌المال می‌فرماید:

«أَتَأْمُرُونَ أَنْ أَطْلُبَ النَّصْرَ بِالْجُورِ فِيمَنْ وُلِّيتُ عَلَيْهِ وَاللَّهِ لَا أُطَوِّرُ بِهِ مَانِمَرَسِيمٍ، وَمَا أَمْجَمُ فِي السَّمَاءِ نَجْمًا  
وَلَوْ كَانَ الْمَالُ لِي لَسَوَيْتُ بَيْنَهُمْ فَكَيْفَ وَإِنَّمَا الْمَالُ مَالُ اللَّهِ»

آیا به من دستور می‌دهید برای پیروزی خود، از جور و ستم درباره امت اسلامی که بر آنها ولایت دارم، استفاده کنم؟ به خدا سوگند! تا عمر دارم، و شب و روز برقرار است، و ستارگان از بی هم طلوع و غروب می‌کنند، هرگز چنین کاری نخواهم کرد! اگر این اموال از خودم بود به گونه‌ای مساوی در میان مردم تقسیم می‌کردم تا چه رسد که جزو اموال خداست (سیدرضی، ۱۳۷۹، خطبه ۱۲۶).

و در خطبه ۱۵ می‌خوانیم:

« وَاللَّهِ لَوْ وَجَدْتُهُ قَدْ تَزَوَّجَ بِهِنَّ النَّسَاءَ بِهِنَّ الْأِمَاءَ لَرَدَدْتُهُ. فَإِنَّ فِي الْعَدْلِ سَعَةً، وَمَنْ صَاقَ عَلَيْهِ  
الْعُدْلُ فَالْجُورُ عَلَيْهِ أَضْيَقُ؛

به خدا سوگند، بیت‌المال تاراج شده را هر کجا که بیابم به صاحبان اصلی آن باز می‌گردانم، گر چه با آن ازدواج کرده، یا کنیزانی خریده باشند، زیرا در عدالت گشایش برای عموم است، و آن کس که عدالت بر او گران آید، تحمل ستم برای او سخت‌تر است».

و در حکمت ۱۲۶ امام علی (ع) می‌فرماید:

« عَجِبْتُ لِلْحَيْلِ يَسْتَعْمَلُ الْفَقْرَ الَّذِي مِنْهُ هَرَبَ وَيَفُوتُهُ الْغِنَى الَّذِي إِثَاءَهُ طَلَبَ، فَيَعِيشُ فِي الدُّنْيَا عَيْشَ  
الْفُقَرَاءِ وَيُحَاسِبُ فِي الْآخِرَةِ حِسَابَ الْأَغْنِيَاءِ

در شگفتم از بخیل: به سوی فقری می‌شتابد که از آن می‌گریزد، و سرمایه‌ای را از دست می‌دهد که برای آن تلاش می‌کند. در دنیا چون تهیدستان زندگی می‌کند، اما در آخرت چون سرمایه‌داران محاکمه می‌شود.»

در فرازی از نامه ۲۷ نهج البلاغه امام می‌فرماید:

«وَأَسْ بَيْنَهُمْ فِي الْخَطَةِ وَالنَّظَرَةِ، حَتَّى لَا يَطْمَعِ الْعِظَمَاءُ فِي حَيْفِكَ لَهُمْ، وَلَا يَتَأَسَّ الصُّعَفَاءُ مِنْ عَدْلِكَ  
عَلَيْهِمْ؛

به تساوی رفتار کن، تا بزرگان در ستمکاری تو طمع نکنند، و ناتوان ها در عدالت تو مأیوس نگردند».

حضرت علی علیه السلام سوگند یاد می کند که اگر براساس ظلم، مساوات در جامعه رعایت نشده باشد و به مهریه ی زنی مالی ناحق رفته باشد آن را برمی گرداند و نیز می فرماید که تا عمر دارم و شب و روز به حرکت خود ادامه می دهد هرگز از عدالت و اجرای آن و استفاده ی صحیح از بیت المال کوتاهی نمی کنم و فرمان و درخواست کسانی که خارج از مساوات، حق و حقوقی اضافه طلب می کنند را توجه نمی کنند و از آن کسی که رو به فقر رفته و سرمایه اش را از دست داده دفاع می کند، آنان که رو به ظلم و ستم رفته اند، باید به یاد گذشتگان و سرنوشت آنان بیفتند و درس عبرت بگیرند و خدا و قیامت را در نظر بگیرند و در راستای عدالت و مساوات حرکت کنند.

#### ۲-۱-۴- اعتدال (میانہ روی)

اعتدال به معنای میانہ روی و حد وسط است. حضرت علی علیه السلام در نهج البلاغه تأکید می کند که اعتدال در همه حوزه ها باید رعایت شود و به کارگزاران خود سفارش می کند که رفتاری به دور از افراط و تفریط داشته باشند.

«أَمَّا بَعْدُ فَإِنَّ دَهَاقِينَ أَهْلَ بَلَدِكَ شَكُوا مِنْكَ غِلْظَةً وَقَسْوَةً وَاحْتِقَاراً وَجَفْوَةً وَنَظَرَتْ فَلَمَّ أَرَهُمْ أَهْلًا  
لِأَن يَدْنُوا لَشِرْكِهِمْ وَلَا أَنْ يُفْضُوا وَجُفُوا لِعَهْدِهِمْ فَأَبْسَ لَهُمْ جَلْبَابًا مِنَ اللَّيْنِ تَشْوِينُهُ بَطْرِفٍ مِنَ الشَّعْرِ وَ  
دَاوِلُ لَهُمْ بَيْنَ الْقَسْوَةِ وَالرَّأْفَةِ وَأَمْزَجَ لَهُمْ بَيْنَ التَّقْرِيبِ وَالْإِدْنَاءِ وَالْإِبْعَادِ وَالْإِقْصَاءِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ

اما بعد، کشاورزان شهر تو، از تو شکایت کرده اند. آنان از سختگیری و سنگدلی و حقیر شمردن و ستمگری شکایت کرده اند. دقت کردم و آنان را به دلیل مشرک بودنشان، شایسته نزدیک شدن به تو ندیدم. آنان نه در خور دور شدن و مورد ستم واقع شدن هستند، زیرا با ما دارای عهد و پیمان می باشند. بنابراین جامه ای از نرمخوبی با دامنی از سختگیری را شعار خود قرار ده و با آنان اعتدال بین سخت دلی و مهربانی را انتخاب کن. به خواست خدا در میانشان به اعتدال رفتار کن، و حد متوسط بسیار دور کردن و بسیار نزدیک کردن را برگزین» (سیدرضی، ۱۳۷۹، نامه ۱۹).

#### ۲-۲- مراتب عدالت از منظر علی علیه السلام

حضرت امیر، عدالت را، یکی از پایه های ایمان برمی شمرد و عدالت را به چهار شعبه تقسیم می کند:

«وَالْعَدْلُ مِنْهَا عَلَى أَرْبَعِ شُعَبٍ: عَلَى غَايِصِ الْفَهْمِ، وَعَوْرِ الْعِلْمِ، وَزُهْرَةِ الْحُكْمِ، وَرَسَاخَةِ الْحِلْمِ، فَمَنْ فَهِمَ عِلْمَ عَوْرِ الْعِلْمِ؛ وَمَنْ عَلِمَ عَوْرَ الْعِلْمِ صَدَرَ عَنْ شَرَائِعِ الْحُكْمِ؛ وَمَنْ حَلَمَ لَمْ يُفَرِّطْ فِي أَمْرِهِ وَعَاشَ فِي النَّاسِ حَمِيداً،»

« عدالت، چهار شعبه دارد: فهم دقیق، علم و دانش عمیق، قضاوت صحیح و روشن و حلم و بردباری راسخ. کسی که درست بیندیشد به اعماق دانش آگاهی پیدا می‌کند و کسی که به عمق علم و دانش برسد از سرچشمه احکام، سیراب می‌گردد و آن کس که حلم و بردباری پیشه کند گرفتار تقریب و کوتاهی در امور خود نمی‌شود و در میان مردم با آبرومندی زندگی خواهد کرد.» (سیدرضی، حکمت ۳۱).

در اینجا امیرالمومنین (علیه السلام) عدل را به شعب چهارگانه تقسیم نموده است.

الف) تفکر عمیق نمودن در کلیه‌ی امور یعنی قبل از انجام کار انسان باید بیندیشد و سپس عمل نماید. همانگونه که در حکمت چهلم می‌فرماید: «لسان العاقل وراء قلبه و قلب الاحمق وراء لسانه». خلاصه اینکه انسان عاقل اول می‌اندیشد و سپس حرف می‌زند ولی انسان جاهل و نادان اول سخن می‌گوید و بعد فکر می‌کند که چه گفته است.

ب) دانش عمیق برای رسیدن به حقیقت، بدین معنا که تلاش انسان برای فراگیری علم باشد همانگونه که انسان باید از اول کودکی تا مرگ به دنبال دانش باشد.

ج) شکیبایی در کارها، صبر و شکیبایی در مصیبت‌ها، گرفتاری‌ها و ... لازم است. انسان در ضمن فعالیت‌های روزمره‌اش باید شکیبیا باشد تا به نتیجه‌ی مطلوب خود برسد. (د) نیکنامی در میان مردم. سعدی (رحمه الله) می‌فرماید:

سعدیا مرد نکونام نمیرد هرگز      مرده آن است که نامش به نکویی نبرند  
و باز می‌سراید:

نام نیکو گر بماند ز آدمی      به کزو ماند سرای زرنکار

این چهار شعبه‌ی عدل است که حضرت علی (علیه السلام) سفارش نموده است و آنها را پایه‌های ایمان می‌داند.

## ۲-۳- عدالت اقتصادی در قرآن و نهج البلاغه

در قرآن کریم می‌خوانیم:

«إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ النَّاسَ شَيْئًا وَلَكِنَّ النَّاسَ أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ»

خداوند هیچ‌کس را ستم نمی‌کند؛ ولی این مردمند که به خویشتن ستم می‌کند!



با نگاهی به تاریخ می‌توان دریافت که عدالت از موقعیتی برخوردار است که بشر از دیر زمان به ضرورت و اهمیت آن پی برده و آن را مایه نیک زیستی و آرامش خود دانسته و آنچه که مهم است چگونگی تحقق و اجراپذیری عدالت است و صرف اعتقاد و ادعا تأثیر عدالت را در جامعه محقق نخواهد ساخت. عدالت دارای ابعادی چون عدالت اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است. در قرآن کریم و نهج البلاغه این ابعاد مورد توجه قرار گرفته است.

همان طور که گفته شد، نظام اقتصادی اسلام بر اساس عدالت است. در واقع این نظام به گونه‌ای برنامه ریزی شده که حق کسی پایمال نشود و هر صاحب حقی بتواند متناسب با کار یا نیازش زندگی راحتی داشته باشد. در اسلام به انسان توصیه شده که باید ساعات خود را برای چند موضوع تقسیم کند: ساعاتی برای تفریح و لذت حلال و ساعاتی برای عبادت و ساعاتی برای کار. تا بدینوسیله تمام نیازهای مادی و معنوی تأمین شود (فیض الاسلام، ۱۳۷۱).

در حکمت ۳۹۰ نهج البلاغه، آمده:

لِلْمُؤْمِنِ ثَلَاثُ سَاعَاتٍ؛ فَسَاعَةٌ يُنَاجِي فِيهَا رَبَّهُ، وَسَاعَةٌ يَرْمُ مَعَاشَهُ، وَسَاعَةٌ يُحَلِّي بَيْنَ نَفْسِهِ وَبَيْنَ لَدُنْهَا فِيمَا يَحِلُّ وَيَحْتَمِلُ. وَلَيْسَ لِلْعَاقِلِ أَنْ يَكُونَ شَاخِصًا إِلَّا فِي ثَلَاثٍ: مَرَمَّةٍ لِمَعَاشٍ، أَوْ خُطْوَةٍ فِي مَعَادٍ، أَوْ لَذَّةٍ فِي غَيْرِ مُحَرَّمٍ

مؤمن باید شبانه روز خود را به سه قسم تقسیم کند، زمانی برای نیایش و عبادت پروردگار، و زمانی برای تأمین هزینه زندگی، و زمانی برای واداشتن نفس به لذت‌هایی که حلال و مایه زیبایی است. خردمند را نشاید جز آن که در پی سه چیز حرکت کند: کسب حلال برای تأمین زندگی، یا گام نهادن در راه آخرت، یا به دست آوردن لذت‌های حلال».

در این حکمت امیرالمؤمنین به برنامه‌ریزی صحیح در زندگی اشاره فرموده است.

در عدالت اقتصادی شاخصه‌های مختلفی بیان شده است که برخی از این شاخصه‌ها براساس آیات قرآن و سخنان گهربار حضرت علی (علیه السلام) مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### ۲-۱-۳- عدالت در توزیع

عدالت توزیعی ناظر به تکالیف دولت در برابر مردم است و چگونگی توزیع مشاغل، مناصب و اموال عمومی را معین می‌کند (پورعزت، ۱۳۸۲: ۳۱). در عدالت توزیعی سه قانون وجود دارد: الف) قانون کمک؛ ب) قانون تساوی؛ ج) قانون نیازها (مومنی، ۱۳۸۵: ۱۸).

قرآن کریم و همچنین سخنان معصومین علیهم‌السلام به ویژه حضرت علی علیه‌السلام، به توزیع عادلانه مشاغل و مناصب بسیار توصیه شده است. به گونه‌ای که تبعیض و باند بازی نباید در جامعه دینی وجود داشته باشد.

حضرت علی علیه‌السلام در زمان حکومت خود، نه تنها تمام تلاش خود را برای برقراری عدالت اقتصادی انجام داد؛ بلکه دست به عملی زد که شاید هیچ کس در طول تاریخ این کار را انجام نداده باشد و آن بازپس‌گیری اموال از ثروتمندان و رساندن آن به دست نیازمندان بود.

حضرت علی علیه‌السلام در دوران حکومت خود همواره عدالت را اجرا می‌کردند. در خطبه ۱۵ نهج البلاغه به یکی از مواردی که حضرت عدالت را اجرا نمودند، اشاره شده است:

«وقال فيمأرده على المسلمين من قطائع عثمان بن عفان: - والله لو وجدته قد تزوج به النساء وملك به الاماء: لردته؛ فان في العدل سعة. ومن ضاق عليه العدل، فالجور عليه اضيق»

درباره زمین‌هایی که عثمان به اقطاع دیگران در آورده و آن حضرت علیه‌السلام زمین‌های مذکور را به مسلمانان برگردانیده بود فرمودند: به خدا قسم، اگر آن مال را چنین می‌یافتیم که به تحقیق با آن، زنانی به عقد زناشویی در آمده و کنیزانی با آن خریداری شده بودند، باز هم هر آینه آن را به مسلمانان بر می‌گردانیدم، پس به راستی در عدل و دادگری وسعت و گشایش است و هیچ چیز آن را از میان نمی‌برد و آن کس (یا آن فرمانروا) که اجرای عدالت، او را در تنگنا قرار دهد و نتواند از این راه به تدبیر امور بپردازد چاره جویی از راه جور و ظلم برای او تنگ تر و دشوارتر خواهد بود (سید رضی، خ ۱۵).

هنگامی که موضوع ایالت شام و همراه نمودن معاویه با حکومت از طرف بعضی مطرح و پیشنهاد می‌شود. حضرت علی خطبه‌ای را ایراد می‌فرمایند. مرحوم «کلینی» در آغاز روایتی که از این خطبه آورده است از «ابی مخنف» چنین نقل می‌کند: گروهی از شیعیان خدمت امیرمؤمنان علیه‌السلام رسیدند، عرض کردند چه مانعی دارد که اموال بیت المال را بیرون آوری، و در میان رؤسا و اشراف تقسیم کنی، و آنها را بر ما برتری بخشی (و سهم ما را به آنها دهی) تا پایه‌های حکومت محکم شود سپس به برنامه تقسیم بالسویّه و عدالت در رعیت باز گردی؟! امام علیه‌السلام (از این پیشنهاد ناراحت شد و) این خطبه را ایراد فرمود و با صراحت گفت: برای رسیدن به یک هدف مقدّس نباید از وسیله نامقدّس و گناه آلود استفاده کرد، که این کار با منطق اسلام سازگار نیست امام علی علیه‌السلام می‌فرمایند:

أَتَأْمُرُونِي أَنْ أَطْلُبَ النَّصْرَ بِالْجَوْرِ فِيمَنْ وُلِّيتُ عَلَيْهِ وَاللَّهُ لَا أَطُورُ بِهِ مَاسَمَرَ سَمِيرٍ، وَمَا أَمْ جُمٌّ فِي السَّمَاءِ  
جُمًّا وَلَا تُؤْكَلُ الْمَالُ لِي لَسَوِيَّتْ بَيْنَهُمْ فَكَيْفَ وَإِنَّمَا الْمَالُ مَالُ اللَّهِ

آیا به من دستور می دهید برای پیروزی خود، از جور و ستم درباره امت اسلامی که بر آنها ولایت دارم، استفاده کنم؟ به خدا سوگند! تا عمر دارم، و شب و روز برقرار است، و ستارگان از بی هم طلوع و غروب می کنند، هرگز چنین کاری نخواهم کرد! اگر این اموال از خودم بود به گونه ای مساوی در میان مردم تقسیم می کردم تا چه رسد که جزو اموال خداست (سیدرضی، ۱۳۷۹، خطبه ۱۲۶).

رعایت عدالت، در معاملات اقتصادی یکی از جمله مواردی است که مورد تأکید آیات قرآن قرار دارد. «وَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ» «و حق پیمانه و وزن را به عدالت ادا کنید» (انعام / ۱۵۲).

### ۲-۳-۲- عدالت در بهره گیری و مصرف

میان روی در میزان مصرف نیز یکی از شاخه های عدالت توزیعی است. از نظر اسلام ثروت باید در اختیار همه جامعه باشد و نباید، ثروت تنها در اختیار ثروتمندان قرار گیرد. بر همین اساس هیچ گونه انحصارطلبی به جهت تمرکز ثروت در دست عده ای معدود از افراد جامعه جایز شمرده نشده است.

در قرآن کریم و سخنان گهربار حضرت علی (علیه السلام) به عدالت ورزی در مصرف و دوری از اسراف و تبذیر سفارش شده است. پرهیز از اسراف بدین معنا است که هیچ کس مجاز نیست تا بیش از نیاز خود از نعمت ها و مواهب الهی را به مصرف برساند؛ زیرا نیازهای هر انسانی، مشخص است. انسان با بهره گیری درست و اعتدال در مصرف، هیچ نعمتی را ضایع نخواهد کرد.

بنابراین، هر نوع کالا و خدمات اقتصادی باید به اندازه نیاز فرد به آن، به کار گرفته شود در غیر این صورت دچار اسراف خواهد شد که از نظر اسلام گناه بزرگی است. همچنین زیاده خواهی و عدم استفاده از نعمت جایز نیست؛ زیرا موجب برهم خوردن اعتدال در مصرف آنها می شود و افرادی که نیازمند آن کالا یا خدمات هستند نتوانند از آن بهره گیرند. در حقیقت کسی که به کالایی نیاز ندارد باید آن را در اختیار دیگران قرار دهد تا آن کالا تباه نگردد. قرآن صریحاً در آیاتی چنین می فرماید:

۱- کُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَآتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ (انعام/۱۴۱). شما هم از آن میوه هر گاه برسد تناول کنید و حق زکات فقیرات را به روز درو کردن بدهید و و اسراف نکنید ، که خداوند مسرفان را دوست ندارد!

۲- کُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ (اعراف/۳۱): هم از نعمت های خدا بخورید و بیاشامید و اسراف مکنید.

۳- «وَأْتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَلَا تُبَذِّرْ تَبْذِيرًا» حق نزدیکان را بپرداز ، و ( همچنین حق ) مستمند و وامانده در راه را! و هرگز اسراف و تبذیر مکن .(اسرا/۲۶)

۴- «وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا» و آنان هستند که هنگام انفاق ( به مسکینان ) اسراف نکرده و بخل هم نوزند ، بلکه احسان آنها در حد میانه و اعتدال باشد (فرقان/۶۷). علاوه بر مقدار مصرف، قرآن بر روی چگونگی آن مقدار و رعایت تقوی هم تکیه کرده و می فرماید « فكلوا مما غنمتم حلالاً طيباً واتقوا الله ان الله غفور رحيم » (انفال/۶۹): از هر چه غنمیت بیابید بخورید حلال شما باد و پرهیزکار باشید که خداوند آمرزنده خطاها و مهربان به خلق است.

امام علی (علیه السلام) مردم را همواره به اعتدال و میانه روی در مصرف توصیه می نمودند و از تجمل پرستی و اسراف نهی می کردند. ایشان همچنین به حاکمان و فرمانداران خود به رعایت حقوق افراد فقیر و دوری از اشرافیت و زندگی تجملی سفارش می کردند.

امام علی (علیه السلام) در نامه‌ای به شریح بن الحارث قاضی (قاضی کوفه) که خانه‌ای به ۸۰ دینار خریده بود، در ارتباط با سوءاستفاده مالی هشدار می‌دهد. (... به من خبر دادند که خانه‌ای به ۸۰ دینار خریده‌ای و سندی برای آن نوشته‌ای و گواهی آن را امضا کرده‌اند. ای شریح اندیشه کن که آن خانه را با مال دیگران و یا پول حرام نخریده باشی که آنگاه خانه دنیا و آخرت را از دست داده‌ای) (سیدرضی، ۱۳۷۹، نامه ۳، ص ۴۸۱).

حضرت علی (علیه السلام) در نامه ۴۵ نهج البلاغه، عثمان بن حنیف انصاری، فرماندار بصره را از اینکه به میهمانی اشراف و ثروتمندان بصره شرکت کرده و در آن غذاهای رنگارنگ و تجملی وجود داشته، مورد سرزنش قرار می‌دهد و به وی توصیه می‌کند که غذاهایی که حلال و حرام بودنش را نمی‌داند، دور بیافکند و آنچه را به پاکیزگی و حلال بودنش یقین دارد، مصرف نماید (سیدرضی، ۱۳۷۹، نامه ۴۵، ص ۵۵۳).

حضرت همچنین در نامه‌ای خطاب به منذر بن جارود عبیدی، فرماندار استخر در ایالت فارس، وی را از زندگانی تجملی و هواپرستی منع نمودند و مورد سرزنش قرار دادند (سید رضی، ۱۳۷۹، نامه ۷۱، ص ۶۱۳).

در زمینه عدالت در مصرف، امیرالمؤمنین چند نکته اساسی بیان نموده است:

اولاً: اشاره دارد که به محصولی که برداشت می‌کنید تمامی آن به شما تعلق ندارد، خمس یا زکات آن را باید به تهیدستان و فقیران جامعه پرداخت نمایید.

ثانیاً: بهره‌مندی از نعمت‌های الهی به اندازه‌ی ضرورت است و به سروده‌ی شاعر:

نه چندان بخور کز دهانت برایت      نه چندان که از ضعف جانت سرآید

خوردن و آشامیدن به اندازه کافی، ولی اسراف و افراط و تفریط ممنوع است.

ثالثاً: از نعمت‌های حلال و طیب باید استفاده نمود. به اندازه‌ی مورد نیاز و رعایت ایمان، تقوا، احسان، بخشش و انفاق به دیگران هم انجام گردد.

رابعاً: برنامه ریزی هم می‌خواهد تا از نعمت‌های الهی به نحو مطلوب برخوردار گردیم، زمانی باران می‌بارد و زمانی خشکسالی است و ضرورت یک برنامه‌ریزی مدون در اقتصاد اجتماعی و فردی لازم است.

خامساً: قوانینی جهت رعایت اقتصاد اسلامی در زمینه‌ی مصرف و عدالت در اجرای آنها باید مراعات گردد و نسبت به طبقات مختلف جامعه و درآمدهای آنان، حق آنان در نظر گرفته شود.

## ۲-۳-۳- عدالت در قیمت گذاری

از گران فروشی نهی شده است. هر کالایی در بازار، قیمت و بِالْبَيْعِ در قرآن کریم و روایات معصومین میزان سود معینی دارد که بر اساس شرع مقدس، فروش کالا و یا خدمات بیش از آن، گناه و حرام است قرآن کریم در سوره اعراف آیه ۹۶ و ۹۷ می‌فرماید:

وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ. أَفَأَمِّنَ أَهْلُ الْقُرَىٰ أَن يَأْتِيَهُمْ بَأْسُنَا بَاتِئَاتٍ وَهُمْ نَائِمُونَ

اگر اهل شهرها و جوامع انسانی ایمان آورده و تقوای الهی پیشه کنند، مابه روی آنها برکات زمین و آسمان را می‌گشاییم، اما آنها تکذیب کردند و به خدا و روز واپسین ایمان نیاوردند و تقوای

الهی را رعایت نکردند و حکومتشان هم رعایت قوانین الهی را نکرده و به غیر آنچه خدا حکم کرده حکم کردند.

و در سوره نحل آیه ۱۱۲ آمده است:

وَصَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْنَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعَمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ

«خداوند مثلی زده است و آن وصف شهر و روستایی است که هم امنیت و آرامش خاطر داشتند و هم روزی فراوان که از هر طرف به سویشان آورده می شود ولی به نعمت‌های خدا کفران ورزیدند. پس خداوند هم لباس گرسنگی و ترس را در اثر کردار زشت آنها، به آنان پوشاند»

کفران نعمت شامل اسراف، احتکار، خیانت به اموال و اجناس در برابر مردم می باشد. در دوران حکومت حضرت علی (علیه السلام)، همواره در بازار قیمت کالاها مورد کنترل واقع می شد. از سخنان حضرت می توان چنین برداشت نمود که در حکومت حضرت، به طور مستقیم برای کالاها، قیمتی را وضع نمی کردند و حضرت بیشتر به رعایت عدالت در قیمت گذاری‌ها توصیه می نمودند.

حضرت در عهدنامه مالک اشتر می فرمایند: «باید خرید و فروش آسان صورت گیرد و با رعایت میزان عدل انجام پذیرد و با نرخ‌هایی که نه به زیان فروشنده و نه خریدار انجام شود» (سیدرضی، ۱۳۷۹، نامه ۵۳).

امام صادق (علیه السلام) در پاسخ به سوالی که پیرامون قیمت گذاری بود فرمود: «امیرالمومنین (علیه السلام) برای کالای کسی قیمت گذاری نمی کرد و لیکن به کسی که بیش از قیمت متعارف کالایش را عرضه می نمود، فرمود: آن گونه که مردم می فروشند، بفروش و در غیر این صورت از بازار خارج شو، مگر اینکه کالایی که او عرضه می کرد مرغوب تر از کالایی بود که در بازار عرضه می شد» (نظریور، ۱۳۸۰: ص ۹).

در واقع حضرت جهت کنترل قیمت‌ها در بازار، افرادی را که اجناس را با قیمتی بیش از قیمت معمول خود می فروختند، برخورد می کرده است.

#### ۲-۳-۴ - عدالت در اوزان

در قرآن کریم و سخنان معصومین (علیهم السلام) به ویژه حضرت علی (علیه السلام) به رعایت عدالت در انجام معاملات اقتصادی شده است. به گونه‌ای که مردم را به کامل نمودن کیل و وزن سفارش می نمودند و از کم فروشی نهی می کردند.

از منظر قرآن کریم، کم فروشی و تقلب در معاملات، از جمله عوامل فساد اقتصادی است که باید از آن اجتناب گردد. به برخی از این آیات اشاره می‌شود. کسانی که به گمان سود بیشتر کم فروشی می‌کنند و از مقدار کالا کم می‌گذارند، در حقیقت دچار ضرر شده و اعتماد مردم را به کالا و خدمات خود از دست می‌دهند. از این رو خداوند کم فروشی به گمان سود را عملی زیان آور و بد فرجام می‌داند. بعضی از انبیاء الهی همچون شعیب بعد از توحید و نبوت اولین پیامش درباره عدل و هشدار به کم فروشان بود:

«أَوْفُوا الْكَيْلَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُخْسِرِينَ وَزِنُوا بِالْقِسْطِ الْمُسْتَقِيمِ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ» (شعراء: ۱۸۱-۱۸۳)

ای مردم کیل را کامل کنید و از خسارت وارد کننده‌ها نباشید. اجناس را با میزان صحیح بسنجید و آنچه به مردم می‌فروشید از وزن پیمان کم نگذارید و در زمین به ظلم و فساد کاری برنخیزید.

در آیه دیگری شعیب قوم خود را به تمام کردن کیل و وزن سفارش می‌کند:

«فَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا» (اعراف/۸۵).

پس در سنجش، کیل و وزن را تمام دهید و به مردم کم فروشی نکنید، و در زمین پس از نظم و اصلاح آن (با آمدن قوانین آسمانی)، به فساد برنخیزید.

«وَإِلَىٰ مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَٰهٍ غَيْرُهُ وَلَا تَتَّبِعُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ إِنِّي أَرَأَيْكُمْ بَخِيلِينَ وَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ مُّحِيطٍ» (هود/۸۴).

ما به سوی اهل مدین برادرشان شعیب را (به رسالت فرستادیم)، وی گفت: ای قوم، خدای یکتا را که شما را جز او خدایی نیست پرستش کنید و در کیل و وزن کم فروشی نکنید، من خیر شما را در آن می‌بینم (که با همه عدل و انصاف کنید) و (اگر ظلم کنید) من می‌ترسم از روزی که عذابی سخت شما را فراگیرد.

خداوند در این آیات، گران فروشی را از مفاصد اقتصادی دانسته و به آسیب شناسی این رفتار در جامعه می‌پردازد. همچنین در سوره مصطفین در رابطه با کم فروشان آمده است. وبل المطفضین (مطففین / ۱) وای به حال کم فروشان. نقل شده است: هنگامی که حضرت امیر زعفران فروشی را دید که زعفران وزن می‌کرد و چرب می‌کشید به او فرمود: وزن را به قسط تمام کن. سپس هر میزان که تمایل داری بر آن



بیفزا (الکتانی، ۱۴۳۳ق، ج ۲، ص ۳۴). همچنین از امام صادق نقل شده است حضرت علی، زنی را در حال خرید گوشت از قصاب دید که در هنگام وزن نمودن گوشت به قصاب گفت مقداری بر آن بیفزا. حضرت به قصاب فرمود: بر مقدار گوشت اضافه کن همانا این افزودن نعمت را بیشتر می‌کند (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۱۵۲). البته این سخن حضرت حاکی از آن است که در معاملاتی که خرید و فروش براساس وزن کردن انجام می‌گیرد، باد توزین دقیق صورت پذیرد و بهتر است فروشنده بر آن جنس چیزی بیافزاید.

توجه به این نکته نیز حائز اهمیت است که تنها افرادی می‌توانند بر کالای فروخته شده چیزی بیافزایند که در ملکیت خودشان باشد. در حالی که اگر این اموال جزء بیت المال باشد این توزیع و فروش از بیت المال باید کاملاً در آن عدالت رعایت شود و از بیت‌المال چیزی بیشتر از حق فرد برداشته نشود. در حقیقت بنا بر فرمایشات حضرت امیر بذل و بخشش در اموال عمومی، خیانت به بیت المال و صاحبان اصلی آن است.

از امیرالمومنین (علیه السلام) روایت شده است که حضرت از مردی درخواست نمود تا مقداری زعفران از بیت‌المال را بین مردم تقسیم نماید. آن مرد در هنگام وزن کردن، مقدار بیشتری وزن می‌نمود. حضرت با چوب دستی به دست آن مرد زد و فرمود «همانا وزن یکسان است» (الرزاز الواسطی، ۱۴۰۶ق، ص ۱۰۲).

#### ۲-۳-۵- پرهیز از رباخواری در معاملات اقتصادی

ربا بطور کلی حرام است چه ربای معاملی باشد و چه ربای قرضی. با این حال تشخیص معاملات ربوی از غیر آن در بسیاری از موارد دشوار است.

ربا در دین اسلام یکی از گناهان کبیره است و در احادیث فراوانی از پیامبر اسلام و ائمه اطهار (علیهم السلام) تصریح به کبیره بودنش می‌فرمایند و نیز از جمله گناهانی است که در قرآن مجید بر آن وعده عذاب داده شده است بلکه تشدید عذاب آن را بیش از بسیاری از گناهان می‌فرماید.

در قرآن کریم به مسأله ربا و تحریم آن اشاره شده است:

«الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَخْتَبِطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا فَمَنْ جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَانْتَهَى فَلَهُ مَا سَلَفَ وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ وَمَنْ عَادَ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ»

کسانی که ربا می‌خورند، امور زندگی و معاش خود را برپا نمی‌دارند مگر مانند برپاداشتن کسی که شیطان بر اثر تماس، او را آشفته کرده و خرد را از او ربوده است. این بدان سبب است که آنان



گفتند: جز این نیست که دادوستد هم مانند ریاست و خداوند دادوستد را حلال و ربا را حرام کرده است. پس هرکس از جانب پروردگارش پندی به او برسد و از کار نکوهیده اش دست بردارد، آنچه گذشته است از آن اوست و در برابر آن کیفر نمی شود و از آن پس کارش با خداست (بسا جبران گذشته را از او بخواهد و بسا هیچ حکمی برای گذشته اش مقرر نکند) و کسانی که به آنچه خدا از آن نهی کرده است بازگردند همدم آتشند و در آن جاودانه خواهند بود. (بقره / ۲۷۵).

خداوند به سبب مفساد بسیاری که معاملات ربوی بر جامعه تحمیل می کند، این گونه معاملات را اعلان جنگ با خدا می داند و به شدت با آن مبارزه می کند؛ چرا که ربا خواری سبب انحراف و نابسامانی در اقتصاد می شود.

خداوند در آیه ۲۷۶ سوره بقره به این نکته توجه می دهد که نظام اقتصاد ربوی در نهایت موجب فروپاشی اقتصاد و نیز جامعه می شود **يَحْكُمُ اللَّهُ الرِّبَا** خداوند ربا را ناپود می کند (برکت مال ربوی را می برد). طبق آیات قرآن، چنین رفتار اقتصادی نه تنها موجب ازدیاد ثروت نمی شود بلکه برکت را از مال می برد.

« وَمَا آتَيْتُمْ مِنْ رِبَا لِيَرْبُوا فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرْبُوا عِنْدَ اللَّهِ،

و آن سودی که شما به رسم ربا دادید که بر اموال مردم رباخوار بیفزاید نزد خدا هرگز نیفزاید (روم/ ۳۹).

« وَأَخَذَهُمُ الرِّبَا وَقَدْ نُهُوا عَنْهُ وَأَكْلِهِمْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا »  
(نساء/ ۱۶۱)

«و هم بدین جهت که ربا می گرفتند در صورتی که از ربا خوردن نهی شده بودند و هم از آن رو که اموال مردم را به باطل می خوردند به کیفر رسند و ما برای کافران آنها عذابی دردناک مهیا ساخته ایم.»

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ وَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ » (آل عمران / ۱۳۰)

ای کسانی که به دین اسلام گرویده اید ربا مخورید که دایم بهره بر سرمایه افزایش تا چند برابر شود از خدا بترسید و ترک این عمل زشت کنید باشد که سعادت و رستگاری یابید، و بپرهیزید از آتش عذابی که برای کیفر کافران افروخته اند و از حکم خدا و رسول او فرمان برید باشد که مشمول رحمت و لطف خدا شوید.»



امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «در معاملات خود ربا نخورید پس قسم به کسی که دانه‌ها را می‌شکافد و انسان را آفریده همانا ربا در میان این امت مخفی تر از حرکت مورچه بر سنگ سیاه در شب ظلمانی است» (نظریور، ۱۳۸۰: ص ۱۱).

اگر فروشندگان و شناخت درستی از احکام شرعی معاملات نداشته باشند ممکن است دچار معاملات ربوی شوند. حضرت علی (علیه السلام) در این باره می‌فرماید: «کسی که بدون علم به احکام تجارت کند در ربا غوطه ور می‌شود» (سیدرضی، حکمت ۴۴۷). همچنین حضرت در جای دیگری تصریح میکند کسی که بدون آموختن احکام شذعی به تجارت مشغول شود به طور حتم در رباخواری مبتلا می‌گردد و کسی که ربا می‌خورد وارد آتش خواهد شد (سیدرضی، قصار ۴۴۷). شکی نیست که گسترش ربا در بازارها باعث ایجاد فساد در معاملات و گسترش ناعدالتی‌ها و نابرابری‌ها خواهد شد و مردم برای کسب درآمد وارد معاملات ربوی می‌شوند و دست از کار و تلاش برمی‌دارند.

### ۲-۳-۶- راستی و صداقت در معاملات اقتصادی

یکی از راه‌های ایجاد عدالت اقتصادی در معاملات اقتصادی راستی و صداقت و شفافیت است. در تعالیم اسلام هرگونه حيله و نیرنگ در انجام معاملات و نیز جهل نسبت به معامله موجب بطلان معامله می‌شود. حضرت علی (علیه السلام) خطاب به تاجران می‌فرماید: در صورتی که از این امور مراقبت نمایید، معاملاتی که انجام می‌دهید معاملات صحیح خواهد بود و از حرام دور خواهید ماند (جعفر مرتضی عاملی، ۱۳۸۵، ص ۵۲).

### ۲-۳-۷- راهکارهای ایجاد عدالت اقتصادی

در تمامی ادیان آسمانی بخصوص دین اسلام، رسیدن انسان به سعادت و خوشبختی را در گرو همکاری جمعی بشر و اصلاح روابط انسان‌ها در چارچوب عدالت به ویژه عدالت اقتصادی می‌دانند. در این راستا برنامه‌هایی برای ایجاد عدالت ارائه نموده‌اند که در قالب تعدیل اقتصادی سامان یافته است. جامعه اسلامی از نظر اقتصادی باید به گونه‌ای سامان یابد که همه افراد جامعه را تحت پوشش قرار دهد و همه افراد جامعه از مواهب اقتصادی و آسایش و رفاه بهره‌مند شوند. از همین رو راهبرد عدالت اقتصادی خود را بر جریان سالم اقتصاد و گردش سالم و صحیح ثروت قرار داده است.

دین اسلام راهکارهایی را برای جریان عدالت اقتصادی به کار گرفته تا همه افراد جامعه از عدالت اقتصادی برخوردار شوند و در این میان افراد ضعیف و ناتوان مورد ظلم و ستم قرار نگیرند. در همین راستا

خداوند در آیه ۷ سوره حشر با تعیین مصارف ششگانه برای "فیء"، بر آن است تا تعدیل ثروت و عدالت اقتصادی تحقق یابد.

«مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ»

آنچه خدا از ( دارایی ) ساکنان آن قریه ها عاید پیامبرش گردانید، از آن خدا و از آن پیامبر ( او ) و متعلق به خویشاوندان نزدیک (وی) و یتیمان و بینوایان و در راه ماندگان است، تا میان توانگران شما دست به دست نگردد. و آنچه را فرستاده ( او ) به شما داد، آن را بگیرید و از آنچه شما را باز داشت، بازایستید و از خدا پروا بردارید که خدا سخت کیفر است.

بنا بر دیدگاه رشاد، راهکارهای ایجاد عدالت اقتصادی عبارتند از: ۱- تدوین قوانین و حقوق عادلانه و اجرای آنها؛ ۲- تربیت اسلامی و اعتقاد به معنویت؛ ۳- تعیین حدود مالکیت افراد؛ ۴- توزیع عادلانه ثروت و درآمد (رشاد، ۱۳۸۰، ج ۷، ص ۷۸-۸۵).

خداوند سبحان و ائمه معصومین (علیهم السلام) به خصوص حضرت علی (علیه السلام) برای تحقق اصل مهم عدالت اقتصادی و فراگیر شدن بهره مندی همه اقشار جامعه از اقتصاد و ثروت، با بیان احکام و اجرای برنامه‌هایی، بر آن اند تا این هدف مهم برآورده شود. از جمله راهکارهایی که جهت ایجاد عدالت اقتصادی در جامعه اسلامی می توان اشاره کرد عبارتند از:

#### ۲-۳-۶-۱ - انفاق

از مهمترین راهکارهای اسلام برای جلوگیری از انحصار طلبی و تمرکز ثروت در دست افرادی معدود، تاکید بر مساله انفاق است. با این کار می توان عدالت اقتصادی را تضمین کرد؛ زیرا از نظر اسلام انفاق همانند عبادت است (بقره، آیات ۳ و ۲) و کسانی که انفاق می کنند پس از توحید و پرستش خداوند بهترین عمل را در زندگی خود انجام می دهند. از ا جایی که انفاق به معنای هر گونه بخشش مالی به دیگران بی هیچ محدودیت است، این امکان را به همه افراد جامعه می دهد که از درصدی از مواهب و ثروت اقتصادی سود برند.

انفاق در لغت به معنای اخراج مال از ملک و در اصطلاح قرآن، اعم از مال و غیر مال و از واجب و غیر واجب است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۱۷۹).



در قرآن کریم خداوند با مضامین گوناگون توانگران را به انفاق و بخشش سوق داده و بدینوسیله اهمیت آن را خاطر نشان ساخته است. در جاهای متعددی از قرآن، آنجا که ایمان و مومن را معرفی می کند انفاق را یکی از ارکان این دو معرفی می نماید:

«إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَّتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيَمْرُقُونَ»

مومنان آنها هستند که چون ذکری از خدا شود دلهاشان ترسان و لرزان شود و چون آیات خدا بر آنها تلاوت کنند بر مقام ایمانشان بیفزاید و به خدا خود در هر کاری توکل کنند. همانا که نماز را به پا می دارند و از هر چه روزی آنها کردیم به فقرا انفاق می کنند (انفال/۴۰۳)

در این آیه ۵ رکن و پایه برای ایمان مومن ذکر شده یکی از آنها انفاق است. همچنین در آیات دیگری مومنان را به انفاق و بخشش سفارش نموده است:

«وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ»

از مال خود در راه خدا انفاق کنید و خود را به هلاکت نیندازید و نیکوئی و احسان کنید که خدا نیکوکاران را دوست دارد (بقره/۱۹۵).

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَكُمْ يَوْمٌ لَا يَبِيعُ فِيهِ وَلَا خُمْلَةٌ وَلَا شَفَاعَةٌ وَالْكَافِرُونَ هُمُ الظَّالِمُونَ»

ای کسانی که ایمان آورده اید! از آنچه به شما روزی کردیم انفاق کنید! پیش از آنکه روزی بیاید که نه کسی برای گشایش خود چیزی تواند خرید و نه دوستی و شفاعتی بکار آید و کافران، همان ستمگرانند. (بقره/۲۴۵)

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ»

ای اهل ایمان! انفاق کنید از بهترین آنچه اندوخته اید و از آنچه برای شما از زمین می رویانیم (بقره/۲۶۷).

حضرت علی (علیه السلام) درباره پاداش انفاق کننده می فرماید:

«مَنْ يُعْطِ بِالْيَدِ الْقَصِيرِ يُعْطِ بِالْيَدِ الطَّوِيلِ وَمَعْنَى ذَلِكَ أَنَّ مَا يَنْفِقُهُ الْمَرْءُ مِنْ مَالِهِ فِي سَبِيلِ الْخَيْرِ وَالْبِرِّ وَإِنْ كَانَ يَسِيرًا فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَجْعَلُ الْحِزَاءَ عَلَيْهِ عَظِيمًا كَثِيرًا، وَالْيَدَانِ هَهُنَا عِبَارَتَانِ عَنِ النُّعْمَتَيْنِ، فَفَرَّقَ عَلَيْهِ بَيْنَ نِعْمَةِ الْعَبْدِ وَنِعْمَةِ الرَّبِّ بِالْقَصِيرِ وَوَالطَّوِيلِ، فَجَعَلَ تِلْكَ قَصِيرَةً وَهَذِهِ طَوِيلَةً، لِأَنَّ نِعْمَ اللَّهِ أَبَدًا»

تَضَعُ عَلَى نِعَمِ الْخَلْقِ أَضْعَافًا كَثِيرَةً، إِذْ كَانَتْ نِعَمَ اللَّهِ أَصْلَ النِّعَمِ كُلِّهَا، فَكُلُّ نِعْمَةٍ إِلَيْهَا تَرْجِعُ وَمِنْهَا تَنْزِعُ»

امام می فرماید: کسی که بدست کوتاه (مال و دارائی خود را هر چند اندک باشد در راه خدا) ببخشد بدست دراز (از جانب خدا) بخشش می یابد. سید رضی رحمته الله علیه می فرماید: و معنی این فرمایش حضرت آن است که آنچه را شخص از مال و دارائیش در راه های خیر و نیکی انفاق می کند هر چند اندک باشد خدای تعالی جزاء و مزد آن را بزرگ و بسیار می گرداند (سیدرضی، حکمت ۲۲۴)

قرآن کریم در این رابطه می فرماید:

«مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبْطِ آذُنِ بَعِثَ سَعِ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سُنْبُلَةٍ مِائَةٌ حَبٌّ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ»

داستان آنان که دارائی شان را در راه خدا (به درویشان و مستمندان) می دهند مانند داستان دانه است که از آن هفت خوشه بروید که در هر خوشه صد دانه باشد (یک دانه هفت صد دانه شود) و خداوند (این مقدار را) بر هر که خواهد بیفزاید، که خداوند گشایشگر و (بر همه چیز) احاطه کامل دارد (بقره/۲۶۴).

همچنین در آیه دیگری می فرماید:

«مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ مِثَالِهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ»:

هر کس کار نیکو انجام دهد او را ده برابر آن پاداش خواهد بود و هر کس کار بدی انجام دهد، بیش از پیش از کار بدش کیفر نخواهد داشت و بر آنها ستمی نخواهد رفت (انعام/۱۶۰).

حضرت علی علیه السلام در ترغیب توانگران برای دستگیری و کمک به مستمندان می فرماید:

«إِنَّ لَهِ عِبَادًا يَخْتَصُّهُمْ اللَّهُ بِالنِّعَمِ لِمَنَافِعِ الْعِبَادِ قِيَرَتُهُمْ فِي أَيْدِيهِمْ مَا بَدَلُواهَا، فَإِذَا مَنَعُوا نَزَعَهَا مِنْهُمْ ثُمَّ حَوَّلَهَا إِلَى غَيْرِهِمْ»

خدا را بندگانی است که آنان را به نعمت هائی تخصیص داده برای سود بندگان پس آن نعمت ها را در دسترس آنها می گذارد هنگامی که (به مستحقین و زبردستان) ببخشند، و هر گاه آن نعمت ها را جلو گیرند (چیزی از آنها را به کسی ندهند) از آنان گرفته به دیگران انتقال می دهد (که در راه نیازمندان بکار بردند) (حکمت، ۴۱۷).

حضرت در سخنان خود بهترین مومنان را کسانی می‌دانند که به خود و بستگان و نیازمندان انفاق نماید. «وَأَعْلَمُ أَنْ أَفْضَلَ الْمُؤْمِنِينَ أَفْضَلُهُمْ تَقْدِيمَهُ مِنْ نَفْسِهِ وَأَهْلِيهِ وَمَالِهِ، وَأَنَّكَ مَا تَقْدُمُ مِنْ خَيْرٍ يَبْقَى لَكَ ذُخْرُهُ، وَمَا تُؤَخِّرُهُ يَكُنْ لَعْنَتِكَ خَيْرُهُ، وَأَخَذَ رِصَابَهُ مِنْ يَفِيلٍ رَأَيْتُهُ وَيُنْكَرُ عَمَلُهُ، فَإِنَّ الصَّاحِبَ مُعْتَبَرٍ بِصَاحِبِهِ»

و بدان نیکو ترین مؤمنین بهترین ایشان است از جهت بخشش نمودن از خود و بستگان و دارائیش (کسی که خود اطاعت و بندگی کند، و بستگانش را به راه راست هدایت کند، و از دارائیش به درویشان و مستمندان ببخشد) و بدان، نیکویی (انفاق و بخشش در راه خدا) را که تو از پیش می‌فرستی برای تو اندوخته می‌ماند (روز رستخیز پاداش آن را می‌یابی) و آنچه را که بجا می‌گذاری نیکویی آن برای دیگری است (سودش را وارث می‌برد) و پرهیز از معاشرت و یار شدن با کسی که دارائی رأی و اندیشه سست و کردار ناپسند است، زیرا شخص با یارش هم خو می‌شود (حکمت/ ۶۹). همچنین خداوند در رابطه با انفاق به نزدیکان و خویشاوندان می‌فرماید:

«يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلْ مَا أَنْفَقْتُ مِنْ خَيْرٍ فَلِلَّهِ الدِّينُ وَالْأَقْرَبِينَ وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ» (بقره/ ۲۱۱)

و می‌پرسند تو را چه چیز انفاق کنند بگو آنچه انفاق کردید از مال پس برای پدر و مادر و نزدیکان و بی‌پدران و بیچارگان و راه‌گذریان محتاج است و آنچه می‌کنید از نیکی پس به درستی که خدا به آن داناست.

#### ۲-۳-۶-۲- صدقه

صدقه یکی دیگر از روش‌هایی است که اسلام برای تعدیل اقتصادی بیان نموده است. صدقه مالی نیز مانند انفاق، معنای عام و در برگیرنده‌ای دارد. هر چند که بخشی از صدقات و انفاقات از واجبات شمرده می‌شوند ولی بخش بزرگی از آنها به شکل اختیاری است. صدقه چیزی است که انسان به قصد قربت از مال خود خارج سازد. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۴۸۰). برخی گفته‌اند: صدقه، مطلق انفاق در راه خداست؛ اعم از اینکه واجب باشد یا مستحب (طباطبایی، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۳۹۷).

مقصود از صدقه، در برخی از آیات قرآن زکات واجب اموال و در برخی دیگر به معنای مطلق انفاق است. در قرآن کریم، در رابطه با پاداش صدقه دهندگان می‌فرماید:

«إِنَّ الْمُصَدِّقِينَ وَالْمُصَدِّقَاتِ وَأَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يَضَاعَفُ لَهُمْ وَلَهُمْ أَجْرٌ كَرِيمٌ»

همانا مردان و زنانی که در راه خدا به فقراء صدقه و احسان کنند و به خدا قرض نیکو دهند ، خدا احسان آنها را چندین برابر سازد و پاداش با لطف و کرامت نیز عطا کند (حدید/18).

امام علی (علیه السلام) در ترغیب به صدقه فرموده است «سَوْسُوا إِيمَانِكُمْ بِالصَّدَقَةِ» ایمانتان را با صدقه سیاست و حفظ نمایید (که صدقه نشانه کمال ایمان است و مؤمن برای پاداش با نیت پاک به آن می‌شتابد) (سیدرضی، حکمت ۱۳۸). خداوند سبحان، صدقه پنهانی را بر صدقه آشکار ارجحیت می‌دهد و می‌فرماید:

«إِنْ تُبْدُوهُمَا الصَّدَقَاتِ فَنَعْمَاهِي وَإِنْ تُخْفُوا وَتُوتُوهُمَا الْفُقَرَاءَ فَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَيُكَفِّرُ عَنْكُمْ مِنْ سَيِّئَاتِكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ»

اگر آشکارا (به مستحقان) صدقات دهید، این کاری نیکو است، و لیکن اگر آن را پنهانی به فقیران رسانید برای شما نیکوتر است و (خدا به پاداش آن) بخشی از گناهان شما را مستور دارد و خدا به (آشکار و پنهان) آنچه انجام می‌دهید آگاه است.

#### ۲-۳-۶-۳- زکات

زکات یکی از مهم‌ترین ابزارهای ایجاد عدالت اقتصادی در جامعه اسلامی است . خداوند زکات را در اموال واجب نموده است تا بخشی از درآمدهای اساسی مردم در اختیار دولت و نهادهای آن قرار گیرد و در ایجاد تعدیل اقتصادی به کار گرفته شود . از نظر قرآن پرداخت زکات ، مایه قوام و سامان دهنده امور اجتماعی است. قرآن کریم یکی از وظایف حکومت صالحان را پرداخت زکات برمی‌شمرد و می‌فرماید:

«الَّذِينَ إِذَا مَكَتَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَاللَّهُ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ»

هنگامی که صالحان به حکومت برسند، اولین برنامه آنان اقامه نماز و پرداخت زکات و امر به معروف و نهی از منکر است. (حج/۴۱).

حضرت علی (علیه السلام) یکی از راه‌های محافظت از اموال و دارایی‌ها را پرداختن زکات مال برمی‌شمرد و می‌فرماید: «وَحَصَّنَا أَمْوَالَكُمْ بِالزَّكَاةِ» دارائیتان را با زکات دادن در پناه آورید (چون اگر ندهید به فقراء و مستمندان خیانت کرده‌اید و شایسته است که از بین بروید) (سیدرضی، حکمت ۱۳۸).

#### ۲-۳-۶-۴- خمس

خمس به عنوان واجب الهی در اقتصاد اسلامی برای تعدیل بیان شده است. خداوند سبحان در آیه ۴۱ سوره انفال حکم خمس را بیان نموده و فرموده که از هر درآمدی لازم است یک پنجم آن در اختیار ولی امر قرار گیرد تا در مصارف خود هزینه شود.

«وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ إِن كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ التَّقْيِ الْجُمُعَانِ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»  
و بدانید که هر چیزی را به غنیمت گرفتید، یک پنجم آن برای خدا و پیامبر و برای خویشاوندان (او) و یتیمان و بینوایان و در راه ماندگان است، اگر به خدا و آنچه بر بنده خود در روز جدایی (حق از باطل) - روزی که آن دو گروه با هم روبرو شدند- نازل کردیم، ایمان آورده اید. و خدا بر هر چیزی تواناست.

«وَرَوَى أَنَّهُ ذَكَرَ عِنْدَ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ فِي أَيَّامِهِ حَلَى الْكَعْبَةِ وَكَثُرَتْهُ فَقَالَ قَوْمٌ لَوْ أَخَذْتَهُ فَجَهَزْت بِهِ جُيُوشَ الْمُسْلِمِينَ كَانَ أَعْظَمَ لِلْأَجْرِ وَمَا صَنَعَ الْكَعْبَةَ بِالْحَلَى فَهَمَّ عُمَرُ بِذَلِكَ وَسَأَلَ عَنْهُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام فَقَالَ عليه السلام: إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ أَنْزَلَ عَلَى النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله وَالْأَمْوَالَ أَرْبَعَةٌ أَمْوَالُ الْمُسْلِمِينَ فَتَسْمَهُابَيْنَ الْوَرَثَةِ فِي الْفَرَايِضِ وَالْفَيْءِ فَتَسْمَهُ عَلَى مُسْتَحِقِّيهِ وَالْحُمُسُ فَوَضَعَهُ اللَّهُ حَيْثُ وَضَعَهُ وَالصَّدَقَاتُ فَجَعَلَهَا اللَّهُ حَيْثُ جَعَلَهَا وَكَانَ حَلَى الْكَعْبَةِ فِيهَا يَوْمَئِذٍ فَتَرَكَهُ اللَّهُ عَلَى حَالِهِ وَلَمْ يَتْرِكْهُ نُسَيْبَانًا وَلَمْ يُخَفْ عَلَيْهِ مَكَانًا فَأَقْرَهُ حَيْثُ أَقْرَهُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ فَقَالَ لَهُ عُمَرُ لَوْلَا كَ لَا تَقْتَضِينَا وَتَرَكَ الْحَلَى بِحَالِهِ».

گویند در زمان خلافت عمر بن الخطاب و در نزد او سخن از زیورهای کعبه و فراوانی آنها به میان آمد. جمعی گفتند که می توان آنها را برگرفت و هزینه بسیج سپاهیان اسلام ساخت ثواب این کار بیشتر است. زیرا کعبه زیور می خواهد چه کند. عمر خواست چنان کند و از امیر المؤمنین عليه السلام پرسید و آن حضرت در جواب فرمود: قرآن بر پیامبر صلى الله عليه وآله نازل شده و اموال را به چهار قسمت کرده است: یکی دارایی های مسلمانان که پس از آنها به میان وارثانشان، به گونه ای که مقرر شده، تقسیم می شود. دو دیگر، فیه یا غنایم جنگی است که به مستحقانش داده شود و سوم، خمس که خداوند تقسیم آن را طریقه ای معین کرده و چهارم، صدقات که آنها را هم جایی مقرر است. زیورهای کعبه در آن روزها هم بود ولی پیامبر صلى الله عليه وآله آنها را به حال خود گذاشت، نه این که تقسیم آنها را فراموش کرده باشد یا آنکه مکان آنها را ندانسته باشد. آنها را در همان جای قرار ده که خداوند و رسولش قرار داده بودند. عمر گفت: اگر تو نبودی ما رسوا می شدیم و زیورهای کعبه را به حال خود رها کرد (سید رضی، حکمت ۲۶۲).



## توضیحات

با اشاره به مطالب بیان شده در متن مقاله در مورد معانی لغوی و اصطلاحی آن و نیز واژه‌ی اقتصاد به نظر می‌رسد آنچه که قرآن کریم و نهج‌البلاغه پیرامون واژه‌هایی چون فقر، ثروت، انفاق، بخشش، توزیع عادلانه ثروت، جلوگیری از تکاثر اموال و ... به کار برده شده است همه در راه ایجاد عدالت اقتصادی در جامعه می‌باشد تا از بروز فقر و تنگدستی جلوگیری شود و هرکسی به اندازه نیاز خود در جامعه از نعمت‌های الهی بهره مند گردد. فقر، تهیدستی و ضعف و ناتوانی در میان اقشار جامعه، باعث انحطاط و زوال جامعه می‌گردد. در جامعه‌ای که عدالت اقتصادی برپا نمی‌شود، زمینه‌ی ایجاد انقلاب در میان اقشار جامعه ایجاد خواهد شد و آن جامعه به تدریج رو به افول خواهد رفت.

به نظر می‌رسد تمامی انقلاب‌هایی که در جوامع بشری در دنیا رخ داده برای زدودن تبعیض، فقر و تنگدستی و فاصله طبقاتی به وجود آمده است که برای تحقق عدالت، مردم آن جامعه قیام می‌کنند. اگر جامعه‌ای بخواهد از رذایل اخلاقی پاک شود و به سوی فضایل اخلاقی رهنمون گردد و در پی آن انسان به هدف آفرینش خود که همان کمال انسانی اوست، برسد باید در تمامی ابعاد زندگی خود عدالت و میانه‌روی را رعایت نماید. در جامعه‌ای که فقر و تنگدستی حاکم باشد. به طوری که ابتدایی‌ترین احتیاجات و نیازهای افراد آن جامعه تأمین نشود، نمی‌توان از ایمان به خداوند و معاد و دیگر احکام الهی سخن به میان آورد: «کاد الفقر أن یکون کفراً».

اعتدال و میانه‌روی و پرهیز از افراط و تفریط، متضمن سلامت، آرامش و بویابی جامعه است که در قرآن کریم و زندگی معصومین (علیهم‌السلام) و به خصوص سبک زندگی حضرت علی (علیه‌السلام) در گفتار و رفتار ایشان به صراحت بیان شده است. حضرت (علیه‌السلام) با تأسی از آیه شریفه قرآن «اعدلوا هو اقرب للتقوی»، نشانه‌های تقوا و ایمان، عدالت و انصاف و اعتدال در جامعه را مطرح نموده است.

اگر در پی آن باشیم تا تجربیات تلخ جوامع و اقوام گذشته که ظلم و ستم را پیشه خود قرار داده و از عدالت و میانه‌روی دور گزیدند، دوباره تکرار نشود، باید از زندگی فلاکت بار آنان عبرت گرفته و مضامین قرآن کریم و نهج‌البلاغه را سرلوحه‌ی زندگی خود قرار داده و برای رعایت عدالت و ایجاد صلح و آشتی، مراعات حقوق دیگران را نمائیم و از حاکمان و زمامداران وقت درخواست کنیم تا قوانینی در زمینه‌ی عدالت به خصوص عدالت اقتصادی تدوین و از آن قوانین پیروی نمایند، خود عامل به حق و عدل باشند تا بتوانند الگوی مؤثری برای دیگران باشند و از رانت خواری و مقدم داشتن خود بر دیگران پرهیز نمایند و عدل و احسان و بخشش و انفاق را در جامعه حاکم کنند و از ایجاد فاصله‌ی طبقاتی عمیق در جامعه

دوری گزینند. همان‌گونه که حضرت علی (علیه السلام) در بخشش بیت‌المال، برادر خود را با دیگران تفاوتی قائل نشدند و چه بسا از حق مسلم خود به دیگران بخشش می‌نمودند. در واقع زمامداران حکومتی باید با تأسی و پیروی از دستورات انسان‌ساز قرآن و رهنمودهای امیرالمؤمنین (علیه السلام) استفاده نمایند و دیگران را امر به معروف و نهی از منکر کنند و خود در گفتار و کردار عامل به عدالت باشند.

### نتایج مقاله

از بررسی و تحلیل مطالب مقاله حاضر می‌توان نتایج زیر را بیان نمود:

- ۱- عدالت از جمله مفاهیمی است که در بردارنده الفاظ و عباراتی همچون، استقامت، اعتدال و میانه‌روی، انصاف، میزان است. از مهم‌ترین معانی عدل در نهج‌البلاغه، رعایت حقوق دیگران، هر چیز را در جای خود قرار دادن، توازن و تناسب بین اشیاء و رعایت استحقاق‌ها می‌باشد.
- ۲- براساس آیات قرآنی و نهج‌البلاغه، منظور از عادل بودن خداوند این است که از سخن گفتن درباره ذات خداوند پرهیز شود، مگر آنکه خداوند خودش را توصیف نماید و به هر حال هرگونه ظلم و ستم از ساحت خداوند در همه زمینه‌های خلقت به خصوص وضعیت اقتصادی و معیشتی موجودات، نفی گردد. چون که خداوند در حق هیچ موجودی ستم روا نمی‌دارد، در مورد انسان‌ها نیز همینطور. اما انسان‌ها در حق خود ستم روا می‌دارند و چه بسا آن را به خداوند نسبت می‌دهند.
- ۳- حضرت علی (علیه السلام) در سخنان گهربار خود در نهج‌البلاغه با استفاده از آیات قرآن کریم، انسان را به رعایت عدالت امر نموده و از پیروی از هوای نفس بازداشته و آن را خروج از عدالت می‌داند و راه مبارزه با بی‌عدالتی و ظلم را مبارزه با هوای نفس و زیاده‌خواهی معرفی می‌نماید.
- ۴- احکام اسلامی در قرآن کریم و کلام معصومین (علیهم السلام) به خصوص امیرالمؤمنین (علیه السلام)، براساس عدالت بوده اگر امر به پراخت خمس، زکات، انفاق، صدقه، احسان و مانند آن نموده برای ایجاد تعادل بین افراد جامعه و زدودن فاصله طبقاتی است که طبقه محروم و تهیدست از آنها بهره‌مند گردند و زمینه‌ی فقر و کفر و الحاد در جامعه ریشه کن گردد.
- ۵- در مسائل اقتصادی و اجرای عدالت اقتصادی باید به تمامی جوانب آن نظر داشت یعنی ابعاد مختلف زندگی از منظرهای اخلاقی، اعتقادی، فرهنگی، قضایی، اجتماعی، سیاسی و به‌خصوص اقتصادی مورد توجه قرار گیرد تا زمینه‌ی رضایت حق تعالی و رضایت اقشار مختلف مردم فراهم گردد که «رضوان الله اکبر».

۶- بنا بر فرمایش امیرالمؤمنین (علیه السلام) جامعه‌ای رو به فلاح و رستگاری و عدالت می‌رود که تقوا و ایمان سرلوحه‌ی زندگی آحاد آن جامعه باشد. . براساس این دو عامل مهم، افراد حاضر نباشند حق دیگران را پایمال و برای خود حقی مضاعف طلب کنند، هرآنچه برای دیگران می‌خواهند برای خود بخواهند و آنچه را که برای خود بد و منحوس می‌پندارند برای دیگران نیز نخواهند.

## منابع:

### قرآن کریم

نهج البلاغه، شریف رضی، محمد بن حسین موسوی، ۱۳۷۶ ش، مترجم: سیدجعفر شهیدی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

۱. خوانساری، جمال‌الدین محمد، ۱۳۶۰ ش، شرح غررالحکم و دررالحکم، تصحیح: سیدجلال‌الدین محدث ارموی، تهران: دانشگاه تهران
۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ ق، المفردات فی غریب القرآن، بیروت: دارالعلم.
۳. رشاد، علی اکبر، ۱۳۸۰ ش، دانشنامه امام علی (علیه السلام)، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۴. طباطبایی، سیدمحمدحسین، ۱۳۸۶ ش، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه: سید محمد باقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۵. عاملی، سیدجعفر مرتضی، ۱۳۸۵ ش، امام علی (علیه السلام) و خوارج، ترجمه: محمد سپهری، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۶. الکتانی، محمد عبدالحی بن عبدالکریم، ۱۴۳۳ ق، نظام الحکومه المسمی التراتیب الادرایه، قاهره: دارالسلام.
۷. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۵ ش، الکافی، طهران، دارالکتب الاسلامیه.
۸. محدث نوری، میرزا حسین ۱۴۰۸ ق، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم، مؤسسه آل‌البتیت (علیهم السلام) لاجیاء التراث.
۹. مهدوی کنی، محمدرضا، ۱۳۹۴ ش، نقطه‌های آغاز در اخلاق عملی، چاپ سی و سوم، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۰. الرزاز واسطی، اسلم بن سهل، ۱۴۰۶ ق، تاریخ واسط، بیروت: عالم‌الکتب.

### مقاله‌ها

۱۱. بستانی، قاسم، بهشتی، فاطمه، ۱۳۹۴ ش، «شاخص‌های عدالت در اندیشه سیاسی علوی»، فصل‌نامه عقل و دین، شماره دوازدهم، سال هفتم.
۱۲. پورعزت، علی اصغر، الوانی، سیدمهدی، ۱۳۸۲ ش، عدالت اجتماعی، شالوده توسعه پایدار، کمال مدیریت، شماره ۲ و ۳.
۱۳. نظرپور، محمدنقی، ۱۳۸۰ ش، امام علی (علیه السلام) حکومت و بازار، کتاب نقد، شماره ۱۹.